



محمد امین عبیحی قمی

سرپرست، صفحه آرا



# قیام



شماره ۱ - مهر ۱۳۹۸

## سرمقاله

با فرا رسیدن روزهای اربعین نه تنها قلبهای عاشقان بلکه تمام انسان ها جلا می پذیرد و به راستی که محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است و چقدر خوب می شد در این روزها، ما راهی را که حسین بن علی را به کربلا کشاند، بشناسیم نه صرفا کربلا را. آیا تا به حال از خودمان پرسیدیم که با وجود این همه عزاداری و خدمت در این ماه عزیز چرا آنگونه که باید تأثیری بر من و زندگی و دین ما ندارد؟ چون میبایست فرهنگ حسینی را بیاموزیم و به عمل بگیریم. حسین بیشتر از آب تشنه ی لبیک بود افسوس که به جای افکارش زخم های تنش را نشان ما دادند و بزرگترین دردش را بی آبی دانستند. حسین رفت تا که افکارش بماند و به ما بیاموزد آزاده باشیم. محرم بیشتر شبیه یک کارخانه ی خودسازی است که باید ما را نسبت به قبل بهتر کند نه اینکه ما رو به افول باشیم، به طوری که گریه کنیم اما به ناتوانی هم بخندیم، سینه زنی کنیم اما دست محتاجی را نگیریم ما باید راه حسین را بشناسیم و ببینیم که او از ما چه وظایفی را خواسته است. حسین خون قلبش را به ما هدیه کرد تا ما را از جهالت، دورغ و خشکسالی اخلاق نجات دهد... باشد که روزی به حقیقت برسیم. و قطعاً خواهیم رسید.



مهدی توکلی پینا

هیئت تحریری

در تاریخ بشر همواره قیام مسئله ای تحسین شده است. قیام یعنی بر خواستن از قلب توده برای مقابله با فرهنگ سرکوب که بر توده تحمیل شده است و افیون تسلیم در برابر ظلم بالادست.

### قیام در واقع تپشی است که هر چند صد سال یکبار خون تازه را در رگهای جامعه ی در خواب فرو رفته به جریان می اندازد.

قیام، شورش نیست که صرفا بخواهد جریانی را در مبارزه با حاکمیتی ایجاد کند.

قیام انقلاب نیست که بخواهد حاکمیتی را دچار تغییر کند.

برخی از قیام ها حتی هدف سیاسی ای در نظر ندارند. بسیاری از آنها تغییری در ظاهر حاکمیت فرادست ایجاد نمی کنند، ولیکن حداقل به آنها می فهمانند که توده نمرده است و هنوز افرادی هستند که این سیرک هفت رنگ را به آنچه که حقیقت است می بینند و چشمان مردم فرودست را بر استثماری که در آن قرار گرفته اند باز می کنند.

قیام حتی اگر سرکوب شود و در ظاهر شکست بخورد، نخواهد مرد و چنان آتشی در زیر خاکستر منتظر می نشیند تا پرچم دار بعدی تربیت شود، شجاعت باید و راه را ادامه دهد. قیام گاهی صدها سال به طول می انجامد، گاهی قطع و وصل می شود، گاه تغییر ماهیت می دهد و راه اصلی خویش را گم می کند.

اما هرگز قیام (به معنای کلمه) نخواهد مرد.

قیام را از کودکی به نیکی پنداشتیم. چون همواره در داستان ها وقصه ها قیام کنندگان، قهرمانان داستان بودند.

### ● قیام کنندگان؛ قهرمان داستان

حق همیشه از سوی اربابان ستمگر، نفی شده و قهرمانان ملت برای آن جان می سپردند.

تا جایی که حق و قیام پیوندی جدانشدنی در تاریخ ایجاد کردند و همواره حق را با قیام کنندگان دیدیم و چه بسا که در اغلب آنها چنین بوده است.

### ● قیام کنندگان داستان های کودکی ما، به ما آموختند که سکوت علامت رضاست، رضا به ظلمی که اگر ما را بی صدا ببیند حلقه ی خفقان و جور خویش را بر گردن ما تنگ تر خواهد کرد.

قیام کنندگان به ما آموختند که مرگ فیزیکی پایان کار نیست، مرگ جسم زمانی مرگ محسوب می شود که صاحب آن در عمر خویش لحظه ای برای گرفتن حق خود در مقابل آن کس یا آن چیزی که حقش را ستاده نایستد. مرگ برای قهرمان معنا ندارد، اما مرگ پذیرنده ی ظلم حقیقتاً مرگ است.

خواه نا خواه همواره این قهرمانان را می ستاییم، چه در حقیقت تاریخ خفته باشند و چه در اساطیر حماسی، قهرمانانی همچون: کوروش کبیر، فریدون، کاوه آهنگر، سرداران، اسماعیل صفوی، یاسر و سمیه، زان دارک، گاندی و...! همه آنانی که کوچک یا بزرگ، تنها یا همراه، ایستادگی را به ما آموختند. قیام هایی که برای میهن، آزادی، مذهب و... بود.

ولیکن همواره یک قیام در جای جای جهان به دفعت و تا ابدیت طنین انداز بود و هست و به قطع خواهد بود و آن قیامی نیست جز قیام کبیر حسین ابن علی علیه السلام. قیامی که حجیتی بر بشر بود تا معنای ایستادگی را درک کند.

### ● قیام کبیر

عاشورا در واقع کمال حق طلبی را نشان داد.

نشان داد حتی اگر جسم حق را قطعه قطعه کنند، سرش را به نیزه کشند، آب را بر وی ببندند، تیر در گلویش فرود آورند، دستانش را قطع و چشمانش را کور کنند، فرسنگ ها پیاده و پای برهه به زنجیرش کشند، از خطابه ی نهایی اش نمی توانند فرار کنند. حق را شمشیر و تفنگ نخواهد کشت، حق را سکوت مظلوم در برابر ظالم می کشد.

عاشورا نشان داد که ابدیت یک قیام چطور ممکن است. عاشورایی که اکنون به اربعین تبدیل شده است.

### ● می گویند تاریخ را فاتحان می نویسند، پس به قطع، فاتح عاشورا کرور لشکر سرخ پوش خلفایی نبود.

آنجایی که در مقابل ستم ایستادگی نشود و سکوت مظلوم سالها به درازا بیانجامد، آنجاست که ستم، ستم و محکم می شود و دیگر تنها بر خواستن و ندای قیام دادن کفایت نمی کند و ظلم ظالم را نخواهد شکست.

آنجاست که هفتاد و دو قربانی برای آزادی یک بشریت نیاز می شود. هفتاد و دو رد خون که مسیری را با سرخیشان برای رسیدن به حق برای آیندگان ایجاد کردند. مسیری که اگر آن را دنبال کنیم آرام آرام و بی شک در امتداد آن شهدای دفاع مقدس ایستاده اند.

### ● دفاعی مقدس

دفاعی جانانه که به متجاوزان و یزیدان زمان فهماند که ایران، مظلوم بی صدا نیست، بلکه شیعه ایست که از امام خویش درس ایستادگی را آموخته، به آنان فهماند که ایران نوجوانان و جوانانی

قهرمانان قیام کردند تا به ما ایستادگی را بیاموزند.  
قیام اشکال مختلفی را می طلبد؛ می تواند طالب رزم آوری گرم و با شمشیر و توپ و تفنگ باشد یا چنان اوضاع امروزه که قیامی فرهنگی را از ما مطالبه می کند.

قیام حسین ابن علی در مقابل نفاق و بردگی بود که سراپای جامعه ی اسلامی را در خورد غرق کرده بود.  
قیام دیروز پدرانمان در مقابل دشمن متجاوز خارجی بود که در آرزوی عقیم کردن فکر آزادی و آرمانشهر نوین اسلامی، ماند.

قیام امروز ما در مقابل موجی است که می خواهد برای راحتی خود فرهنگ ما را در هم شکند و فرهنگ خویش که هیچگونه سنخیتی با تاریخ و روحیات ما ندارد جایگزین کند تا بردگی نوین خویش را از سر گیرد و نام ایران را به مستعمرات فرهنگی خود اضافه کند.

**قیام به معنای شورش نیست.**  
**قیام به معنای انقلاب نیست.**  
**قیام یعنی ظالم بفهمد که ما**  
**این سیرک هفت رنگ فرنگ را**  
**به همان چیزی که هست**  
**می بینیم.**

چنان از خود بیگانه شدیم که گمان می کنیم برای اطمینان به هر حرکت خود نیاز به تایید آنان داریم.  
چنان خوار و ذلیل شدیم که خدایمان را به دنیای آنها طاق میزنیم.  
چنان کور که نقص هایشان را نیز زیبا می بینیم.

بله؛ بسیاری از آن به دلیل حماقت برخی از همسنگران خود ماست ولیکن این همسنگر ما نیست که پوتین استبداد فرهنگی اش را بر گردن ما نهاده. این همسنگر ما نیست که صلح را برای خویش میطلبد ولیکن جنگ را تقدیر الهی و بلا تغییر ما می پندارد. این همسنگر ما نیست که مارا سگ دربار یزید و صدام و اسکندر کرده.

## ● هنوز به پایان نرسیده

زمین خورده ایم، ولی زمین خوردن پایان راه نیست. هنوز عالم هستی ادامه دارد و هنوز هم، ایرانی مسلمان از اصالت خویش کاملاً بیگانه نشده.

باید به قهرمانانمان را به یاد آوریم، قیام کنندگان بزرگی را که برای انسانیت و آزادی جان دادند. پدرانمان برای آزادی و آرامش کنون ما قیام کردند و گردن به لبه ی تیغ دشمن متجاوز گذارند. اکنون این ماییم که می بایست پدرانمان را رو سفید کنیم و فرزندانمان را مفتخر بر ایستادگی امروزمان.

داشت و دارد که هر لحظه منتظرند تا با خون خویش مرز میهنشان را تثبیت کنند، جوانانی که الگویشان آرش کمانگیر بود و اکنون جوانانی که الگویشان شهدایی همچون: صیاد شیرازی، عباس بابایی، عباس دوران، جهان آرا، حسن باقری، باقری، زین الدین و ... هستند، شهدایی که ایستادند.

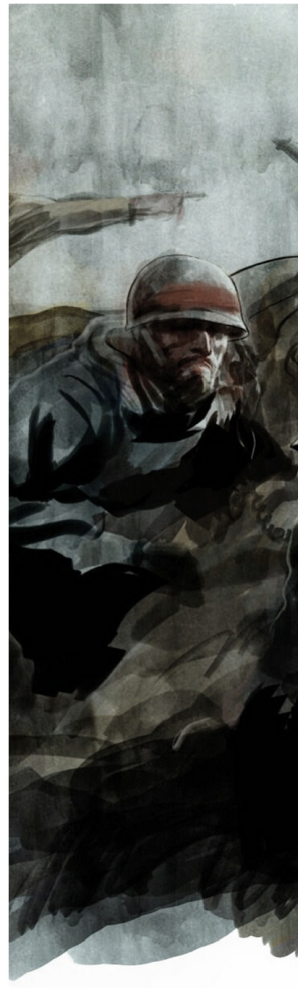
ایستاده اند تا با جان و نشان دفاع کنند از آرمان و سرزمینی که ندای یاری مظلومان از ظالمان را سر می دهد.

ایستاده زیر آوارهای دزفول و خرمشهر، زیر آسمان آلوده ی شلمچه و حلبچه و طلابیه، زیر آب های اروند رود؛ با دستان بسته، ایستادند تا ایستادگی را به ما بیاموزند.

اما کجاست گوش شنوا، مایی که سالهاست در خواب فرو رفته ایم.

## ● فراموشی خود

مایی که اولین تمدن بشری بر روی زمین هستیم، و چنین قهرمانانی را در تاریخ خود پروراندیم. اکنون اعتماد به نفس خود را از دست دادیم و مدهوش قدرت بیگانه شده ایم، آنان را انسان کامل می پنداریم و خود را چنان سگ دربارشان که برای آدمیت نیاز به دنباله روی کور کورانه از آنان را دارد.



حتما شبها توی خوابگاه به گروه سرود دختران ببینید و کشیدن ضمه برای واژه استاد رو تمرین کنید. من درخشت خام می بینم آخر ترم را که می خواهید چونه بزنید برای امتحان. بکارتون میاد

در خوابگاه حتما هندزفری داشته باشید چرا که از معمولی ترین صداها در خوابگاه پسرانه عربده ها و قهقهه های شکننده دیوار صوتی و برای دختران گریه های حاصل از شکست عشقی است. مدیونید اگر تو بیوی دانشگاهتون نوشتید:

یونی تهران تو پراتنز ننویسید قم

**در آخر** اینکه با تمام خوبی و بدی های این دوران دانشجویی، برای شما مسئولان آموزش رو در حالی آرزو میکنم که مشغول تلفن زدن نباشند برکه تقاضاهای گوناگون رو در حالی آرزو دارم که به همشون پاسخ مثبت داده شده باشه. کتاب های درسی رو در حالی آرزو دارم که رو بیشتر صفحات نوشته شده باشه (حذف برای امتحان) و غلنتک ها رو در حالی که به حرکت در اومده باشند

لیوان داده باشند، چون لیوان در این دانشگاه گلی است از گل های بهشتی که کمتر دیده شده البته تعدادی منابع موثق به دست خبرنگار ما رسوندند که دانشکده مدیریت ظروف زرین دارند و آب جوشیده نیوش جان می کنند

**دوم** اینکه حتما پاور بانک در صورتی که سر کلاس عمومی به گوشیتون ور رفتید و شارژش تموم شد همراهتون بیارید چراغ قوه فراموش نشه! چون اگر مدیر گروه شمام عهد بسته روی ماهتون رو هر روز از هشت صبح تا شش عصر ببیند در حالی که در اتاقش قفله! باید بگم غروپها راهرو های دانشکده ها از شدت تاریکی تلفات کم نداده

**سوم** اینکه حتما کت شلوار براق بپوشید و همش به استادها به طور کاملاً اتفاقی بگید "آقا اجازه" که گروهی بخندند. جلب توجه کنید خیلی جالبه و اگر بپرسید دفتر چند برگ بیاریم که دیگه استادها عاشقتون می شوند با این حجم از **naCl**

سامسونت یادتون نره، از قدیم گفتن مرده و سامسونتش. حتما از واژه های لذا، لکن، علی ایحال و هر چیزی که مرحوم سعدی در گور بلرزد استفاده کنید تا مطمئن شویم شما دایره واژگان قدرتمندی دارید.

## قابل توجه جوجه دانشجویان

عرض ادب خدمت نودانشجویان عزیز و تبریک سال تحصیلی نو. اکنون که قدم به دنیای بی حد و حصر دانایی گذاشته اید در همین روزهای آغازین دانشگاه امید داریم ذره ذره بر کوله بار دانش خود بیافزاییم و علم استواری و آرمان های این ملت شرافتمند را که اکنون با دستان پر مهر خود به ما سپرده اند با تمام توان همچنان استوار و پابرجا نگاه داریم. خب می بینم حس ابرقهرمان بودن و غرور بهتون دست داده، باید به خدمتتون عرض کنم که فقط همین ها که گفتیم نیست! اصلا در اصل کشور تا خرخره از هر رشته ای اشباع شده و بهتره همین الان با شماره تلفنهای معتبر رزرو خط تاکسی تماس بگیرید! دست زیاد شده متاسفانه حالا هم به عنوان فردی کارکننده برای انگیزه دادن به جوانان میهن می خواهم تعدادی نکته جهت زنده ماندن در شرایط سخت رو بهتون یادآور بشوم **یکم** اینکه امیدوارم مادراتون(چه دختر و چه پسر) حتما رو جهازاتون





# تاریخ را کاتبان می نویسند

## تراژدی ملی

در روزگاری که انسانها بر زمین زیسته اند پدیده های بسیاری توسط آنها شکل گرفته که مواردی ریشه در عقل و مواردی دیگر ریشه در غرایز او دارند. بدون شک میل انسان ها به چیرگی، نبرد و پیروزی یکی از پیچیده ترین آنهاست. از ابتدای تاریخ تا کنون شاهد جنگ های بسیاری میان آدمیان بر سر مسائل مختلف بوده ایم. این نبردها ربطی به متمدن یا غیر متمدن خوانده شدن یک جامعه ندارد. ایران و بیزانس دو قطب اصلی تمدن در خاورمیانه و اروپا در دوران پیش از اسلام مدتها با یکدیگر به نبرد پرداختند و تا زمان نابودی ساسانیان هیچ کدام از جنگ عقب ننشستند. بنابراین این سواد قدرت محرک جنگهای بسیاری شده. جنگ هایی که در آن بیگناهان بسیاری چه در خطوط رزم چه در شهر های و آبادیهای مورد تهاجم کشته و یا آسیب دیده اند.

در فرهنگ دینی اسلام شهید به فرد با ایمانی گفته می شود که بدون هیچ چشم داشت مادی، با دشمنان جهاد نموده و در این راه کشته شود.

همچنین است کسی که برای دفاع از مال و جان و آبروی خود به جنگ برابر متجاوزان پردازد. از همین توضیح و تفاسیر بالا می توان به نتیجه ای رسید. همواره در تاریخ ما و ملل جهان مشاهده میشود. مردانی که برای کهن و مال و دین خود خیزیده و در برابر دشمنان جنگیده اند و در این راه یا پیروز شده یا با خون خود در صفحه های تاریخ نام خود را ثبت کرده اند.

بنابراین نمیتوان این افراد را صرفا تلفات یا کشته شدگان بدانیم. در این سرزمین که همواره در معرض وقایع جهانی بوده و از گزند فاتحانی چون اسکندر و چنگیز و تیمور در امان نمانده بدون شک عده بسیاری از پدران و مادران ما جان خود را برای آیندگان و میهن خود فدا کرده اند. سپس به جنگ تحمیلی می رسم که جوانان بسیاری جان خود را در خطر گذاشته و به دفاع از وابستگی های خویش پرداختند تا حتی به قیمت کشته شدن خودشان، راه را بر آیندگان هموار کنند.

شاید برای عده ای این حرف ها کلیشه ای و رویایی بنظر رسد. اما این را باید دانست که بیشتر ملل تا به امروز برای سربازان و مردم عادی کشته شده در جنگ مراسم های شکوهمندی برگزار کرده و یاد آنها را گرامی می دارند. مردان و زنانی که خود آرزوهای والایی داشتند اما برای حفظ عزیزان و دلبستگی های خود وارد این نبرد ها شدند. آنها باید به یاد ما بمانند. آنها جان مایه یک فرهنگند. پس تلاش برای فراموشی تراژدی های ملی سخنی گزاف است. تنها کار ممکن برای این مردمان عزیز مراسمهایی است که برسم یادبود میتوان برای آنان برگزار نمود.



## کتابین یاسان

هیئت تحریری

آوینی در مجموعه چهارم گویی به یک بلوغ فکری و تشکیلاتی می رسد و علاوه بر تصاویر مستقیم در جبهه و مصاحبه با رزمندگان اسلام به یک تحلیل و رخدادهای جنگی در جنگ هم می رسد. این مجموعه علاوه بر ساختاری مستندگونه، شاعرانه هم هست و آوینی با صدای بی بدیل و نثر شاعرانه اش مستندهایی می سازد که صرفا خبری نیست و کاملاً فرمی متفاوت با آثار پروپاگاندا و تبلیغاتی دارد. حضور او در منطقه های عملیاتی محدود به زمان جنگ نبود بلکه پس از پایان جنگ با توسعه موضوعات سراغ قسمت هایی از جنگ و وقایع انقلاب می رود که مغفول مانده.

**منتقدانی که با آوینی و عقاید او همراه هستند، مستندهای روایت فتح را دارای بالاترین درجه های شخصیت پردازی در تاریخ مستند ایران می دانند.**

حتی در این راستا فراستی نیز به صورت قاطعانه می گوید:

**روایت فتح تنها مستند شخصیت پردازی تاریخ سینمای ایران است. مستندی را پیدا نمی کنید که مستند واقعی باشد و شخصیت پردازی کند، ولی این شخصیت پردازی را در مستند های آوینی می بینیم. روایت فتح کامل ترین و جامع ترین مجموعه مستند دوران جنگ تحمیلی است و می تواند سند مهمی از مهم ترین افتخار مردم ایران در طول تاریخ باشد.**

به تماشاگر نشان داد اما مومنان واقعی از نمایش دادن خود حقیقی شان به شدت پرهیز دارند و خصایصی مانند حجب، عدل، صفا و... غیر قابل نمایش هستند.

**در عرصه مستند آوینی اولین کسی بود که به صورت جدی به سراغ نشان دادن عمق شخصیت ها رفت و سعی داشت درونیات آنها را برای ما جلوه گر سازد.**

مشکلی که بر سر راه برخی از فیلمسازان از جمله آوینی بود این بود که اعتقاد داشتند در فیلم هایشان نباید دشمن را به زشت ترین و قبیح ترین شکل نشان دهند بنابراین در جبهه خود شخصیت ها را به طور معمولی و دشمن را حتی المقدور نشان نمی دادند و این بدان معناست که شد قهرمان در اینگونه فیلمها حذف میشد همین نگاه آنها به قهرمان و ضد قهرمان اساس شخصیت پردازی قرار گرفت.

### ● مستند جنگ در ایران و جهان

بر خلاف مستندهای جنگی که بر روی زشتی ها و تلخی ها تاکید دارند در مستندهای دفاع مقدس بر روی مواردی تاکید می شود که آوینی آن را «خیر و زیبایی» می نامد علاوه بر این آنچه در فیلمسازی جنگ در جهان مرسوم است استفاده از شخصیت ها برای نشان دادن واقعه عظیمی مانند جنگ است و آنچه اهمیت دارد واقعیات و هیجانات است تا بتوان بدین وسیله این حادثه را در تاریخ ماندگار کرد اما در فیلمهای دفاع مقدس، علی رغم اینکه به موضوع جنگ می پردازند ولی خود جنگ و اتفاقات موضوعیت ندارد و آنچه اهمیت دارد و اصل قرار می گیرد، شخصیت های درون جنگ است و حتی فیلمسازان دفاع مقدس به نشان دادن ظاهر این شخصیت ها اکتفا نکردند و همانطور که در بالا گفته شد سعی به کشف باطن شخصیت ها داشتند.

### ● روایت فاتحان

سیدمرتضی آوینی قطعا مهم ترین چهره مستندسازی جنگ در ایران است. مستند های آوینی که از سال ۶۴ شروع به ساخت آنها کرد پنج فصل دارد که:

حمله بعثی ها در ۳۱ شهریور ۵۹ علاوه بر دگرگون کردن شرایط سیاسی و اجتماعی برای فیلمسازی و هنر نیز پنجره ای جدید باز کرد. جنگ باعث شد مستند سازی در ایران گونه ای جدید پیدا کند و فیلمسازان جوانی وارد این حوزه شوند که با وجود دغدغه مندی تحصیلات بالایی ندارند ولی از روش های بدیعی استفاده می کنند.

برای فهم این شیوه بهترین نمونه مجموعه مستند «برای آزادی» ساخته حسین ترابی است:

مستندی درباره روزهای انقلاب و مبارزات مردمی که با هوشمندی فیلمساز به بهترین نحو ساخته می شود. او دوربین به دست به میان مردم می رود و از هر آن چه پیرامونش می بیند، فیلم می گیرد. این گونه مستندسازی که مستندسازی جنگی نامیده می شود با آغاز جنگ تحمیلی به شکل رسمی آغاز و در دوره های مختلف با آن که اوج و فرودهایی دارد، اما به شناسنامه فیلمسازی مستند ایران تبدیل می شود:

### ● شخصیت پردازی مستند جنگ

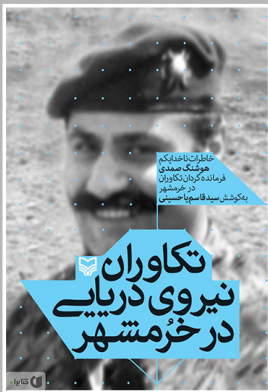
شخصیت پردازی در اینگونه مستند ها، با گذشت زمان و همراه با تحولات جامعه، در ساختار و محتوا دچار تحولات اساسی شده و شخصیت پردازی از درونگرا به برونگرا، از قهرمان جمعی به قهرمان فردی و از الگوپردازی به سمت قهرمان پردازی سیر نموده است.

رویکرد عقیدتی و مذهبی باعث شد تا فیلمسازان جوان به جای آنکه بخواهند خشونت های جنگ را نشان بدهند با بهره گیری از عقاید عرفانی مذهبی به زیبایی هایی که در جنگ وجود داشت بپردازند این زیبایی ها به شخصیت هایی بر میگشت که در طول جنگ مراتب کمال را طی می کردند.

شخصیت پردازی در این دست از فیلم ها بسیار مشکل می نمود زیرا شاید بتوان با شعر و ادبیات و بیژگی های درونی را نشان داد ولی ذات و کارکرد فیلم این مساله را مشکل میکرد تا آنجا که آوینی می گوید:

در نمایش و فیلم تا آنجا که ممکن است باید فاصله میان ظاهر و باطن حذف شده و خصایل اخلاقی را





خانواده تکاوران  
فرمانده گران تکاوران  
در خرمشهر  
به کوشش سید قاسم یاحسینی

**تکاوران  
نیروی دریایی  
در خرمشهر**

**تکاوران نیروی  
دریایی در خرمشهر**

روایتی تعریف نشده از دفاع ۳۴ روزه ارتش در کنار مردم خرمشهر و تکاوران نیروی دریایی ارتش در هفته‌های نخست هشت سال دفاع مقدس دارد که از زبان ناخدا هوشنگ صمدی به صورت خاطرات شفاهی، کتابی که حقایقی شوکه کننده از جنگ و انقلاب را بی ابا بر ملا می کند و بیش از آنکه بر روحیات جنگ و جنگاوران تاکید کند بر زرم آوری و تاکتیک منحصر بفرد تکاوران ارتش ایران می پردازد

نویسنده: سید قاسم یاحسینی  
روایت: ناخدا هوشنگ صمدی  
ناشر:



قیمت نسخه فیزیکی (اکنون): ۳۲,۰۰۰ تومان  
قیمت نسخه دیجیتالی (طاقچه): ۶,۵۰۰ تومان

دانشگاه مادرکننده مجوز: دانشگاه تهران

صاحب امتیاز، مدیرمسئول، سردبیر، طراح و صفحه آرا: محمدامین عبیدی قمی

زمینه انتشار: فرهنگی-اجتماعی (سیاسی، اقتصادی، هنری، ادبی)  
تاریخ انتشار: ۱۴ مهر ۱۳۹۸ شماره: ۱۰

ارتباط با نشریه

شماره تماس: ۰۲۱ ۹۱۹ ۹۸۰۰  
ایمیل: Charkhe.ut@gmail.com



**قهرمان سازی و قهرمان سوزی**

نوید قربانی  
هیئت تحریری

**پلان آخر**

قهر "ما" ن یا "قهر" ما ن؟

به راستی چه کسی مشخص می کند که باید لقب قهرمان را به چه شخصی داد؟

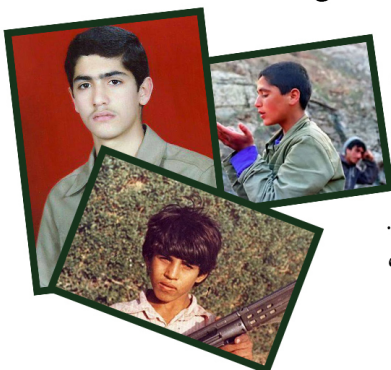
من؟ تو؟ ما؟ چه کسی قهرمان است؟ آیا رسانه یک شخص را قهرمان می کند؟ یا یک جایزه؟ شاید هم با دادن تریبون.

جدا از ارزش واقعی و معنای واقعی قهرمان این دست ماست که چه شخصی را الگوی خود قرار دهیم؟ چه شخصی را بازنشر کنیم؟ آیا به جریان‌های شکل گرفته اعتماد کنیم؟ آیا با ظاهر قضایا قضاوت کنیم؟

شاید همه ما نیاز به باز تعریف قهرمان در ذهنمان داریم. شاید بهتر باشد

**قهرمان‌های گمنام‌تر را اول پیدا کنیم و علت گمنام بودنشان را بفهمیم.**

چه کسی می خواهد آن‌ها گمنام باشند و بمانند؟ خودشان؟ من؟ تو؟ ما؟ اصلا گمنامی بهتر است یا معروفیت؟ آیا نمی شود قهرمان گمنام باشد؟ یا برعکس، معروفی قهرمان نباشد؟ با چه کسانی قهر باشیم و با چه کسانی آشتی؟



خودش دوست داشت اما به او اجازه نمی دادند. بالاخره هر تغییری هزینه های خودش را دارد. شاید داستان از دور ساده به نظر برسد. اما در بطن ماجرا پیچیدگی معنا می شود.

یک مادر چه طور می تواند اجازه دهد؟ حتی نوشتنش هم سخت است! چگونه می شود مادر را راضی کرد؟ چگونه هم به هدف خود برسیم هم رضایت مادر را جلب کنیم؟ جمع نقیضین محال است!

**"کشور به من نیاز دارد. مردم به نیاز دارند." (یا بهتر بگوییم ما به او نیاز داریم.)**

شاید هم نیازی نباشد. شاید بقیه کافی باشند. اما نه! او خود را موظف می داند. او خود را در اولویت می داند. برای او سن اولویت ایجاد نمی کند. مهم ترین نکته برای او آرمان است: ارزش است. حاضر است از خیلی چیزها برای رسیدن به آن بگذرد. تحصیل، پول، جایزه و شاید مهم تر از همه: زندگی! چرا می گذرد؟ چون در نزد خودش مقدس است: چون ایمان دارد. پس رفت. رفت تا خوشحال باشد.

شاید برسید من از کجا می دانم که او خوشحال است؟ خوب معلوم است. شما اگر تشنه باشید و به آب برسید خوشحال نمی شوید؟ حال فرض کنید در یک کویر بی آب و علف در حال تلف شدن هستید.

اکنون اگر به آب برسید چه قدر خوشحال می شوید؟ شاید جایی که او الآن هست نزدیک ما باشد شاید هم خیلی دور باشد اما مطمئنم که هست. می دانم که نمی رود. چون حسش می کنم. هر روز و لحظه: هر جایی. مهم این است که او با همه‌ی ما آشتی است ولی ما با او قهریم.

**پلان یکم**

قهرمان با تأکید بر ما

۱۶ سالش بود. دیگر دوست نداشت به او بچه بگویند. برای همین تصمیم به تغییر گرفت. تغییری بزرگ؛ نه در خودش، نه در خانواده‌اش، نه در مدرسه‌اش، نه در شهرش، نه در کشورش بلکه در جهانش و حتی فراتر از آن!

اما برای هر تغییری باید از خود شروع کرد. آرام آرام! سعی کرد آن چیزی را که در جهان ایده‌آلش برای همه متصور است اول روی خودش اجرایی کند. یک کار سخت و آسان! موفق شد، پس ادامه داد: خانواده، مدرسه، شهر، کشور، جهان.

نگذاشت او تیسیم مانعش بشود. جلوتر رفت. رفت و رفت. معروف شد. محبوب شد. الگو شد. حرف‌هایش بازنشر شد. شاید همان فراتری که در ابتدا به آن فکر می کرد! در اجلاس سازمان ملل سخنرانی کرد. رودرروی بزرگ‌ترین دشمنان جهان ایده‌آلش ایستاد و با سلاح کلمه تیربارانشان کرد. امان نداد. انگار نه انگار ۱۶ سالش بود.

**شاید واقعا او دیگر بچه نبود. شاید باید جور دیگری به حرف های او گوش داد. شاید باید حرف‌هایش را جدی گرفت.**

او می خواهد ما جوری زندگی کنیم تا آینده‌اش تخریب نشود و بتواند زندگی کند نه اینکه فقط زنده باشد!

**پلان دوم**

قهرمان با تأکید بر قهر

شانزده سالش بود. دیگر دوست نداشت به او بچه بگویند. برای همین تصمیم به تغییر گرفت. تغییری بزرگ. اما این یکی متفاوت بود!